

جامه های پارسیان دوره ی هخامنشیان

یحیی ذکاء

رئیس موزه مردم شناسی

استاد تاریخ لباس در هنر کدهی هنرهای تزئینی

چگونه پارسیان جامه ی مادی پوشیدند؟

گزنفون درباره ی اینکه از چه زمانی پوشیدن جامه ی مادی در میان پارسیان معمول گردید ، در ضمن پیش آمده ها سال ۵۳۸ پیش از میلاد می نویسد : « پس از گشودن بابل که کورش خود را فرزند مردوک خدای بابلیان خواند ، یک روز پیش از تاج گذاری جامه های فاخر مادی را میان بهترین سرداران خود ، بخش کرد و از آن زمان بود که پارسیان جامه ی مادی پوشیدند » .

چگونه جامه ی پارسی جامه ی تشریفاتی درباریان گردید

گرچه پارسیان باتشویق و ترغیب های پی در پی کورش و خو گرفتن با سب و اسب سواری و شاید اندکی نیز بر اثر سخت گیری های کورش ، بناچار جامه ی مادی پوشیدند ، لیک از جامه ی بلند و چین دار خود که نمایانده ی قومیت آنها بود ، پاك دست نشسته آنرا بکناری نهادند ، زیرا پارسیان از جامه ی مادی تنها هنگام جنگ و شکار و سواری استفاده می کردند و هنگام صلح ، در شهر و دربار و خانه های خود ، همان جامه ی پارسی را می پوشیدند . هر گاه مراسمی بر پا می گردید که بقومیت پارسیان بستگی داشت و می بایست آنها در میان مردمان و تیره های گوناگون شاهنشاهی هخامنشی بنام « پارسی » شناخته و معرفی گردند از جامه ی پارسی استفاده می کردند .

خود کورش نیز ، گرچه بسبب کار و وظایف پادشاهی ، بیشتر جامه ی مادی می پوشید لیک در مراسم و موارد فوق در برابر چشم مردمان کشور خویش با جامه ی پارسی ظاهر میشد و خود را بصورت يك شاهنشاه پارسی بمردم نشان میداد . گزنفون در پیرامون پرستشگاه رفتن کورش در بابل می نویسد : « سپس کورش بیرون آمد ، او برگردونه یی قرار گرفته بود ، و تیارى نوک تیز بر سر و قبایى نیم ارغوانی و نیم سفید ، که

کورش هنگامیکه در اندیشه ی تغییر جامه ی پارسیان افتاد ، در پیرامون جامه های توده های سرشناس آن زمان از ایلامی و بابلی و آشوری و فنیقی و جز آن مطالعه ی دقیق کرد ، و سرانجام بدین هوده رسید که برای پارسیان بهتر از جامه ی مادی جامه ی دیگری پیدا نمی توان کرد . زیرا از یکسو خود او سالها در ماد ، اینگونه جامه بر تن کرده عملاً پی به خوبیهای آن برده بود و از سوی دیگر اختیار جامه ی مادی در آن روز گاران - که تیره ها درباره ی پوشاك خود تعصب خاصی ورزیده پوشیدن جامه ی تیره های بیگانه را ننگ و عار می شمردند - برای پارسیان که هم نژاد و هم کیش و هم زبان یکدیگر بودند ، باسانی میسر بود ، همچنانکه در بسی چیز های دیگر ، چون کشورداری و سپاه گیری و دیگر هنرها ، پارسیان از مادها چیز های فرا گرفته و باسانی آنها را در میان خود رواج داده بودند .

کورش برای اینکه پارسیان را به ترك جامه ی پارسی و پوشیدن جامه ی مادی وادارد دو راه خردمندانه و سودمند در پیش گرفت :

نخست آنکه خود جامه ی مادی پوشیده ، نزدیکان خود را نیز بر آن داشت که جامه ی مادی بر تن کنند .

دوم آنکه بخشیدن و پوشیدن جامه ی مادی را در دربار خود ، امتیازی قرار داد ، چنانکه هر گاه ، یکی از پارسیان کاری انجام میداد که شایسته ی پادشاه بود کورش برای او جامه های رنگارنگ مادی بامرغان میفرستاد و بدینسان نه تنها او را ناچار بپوشیدن جامه ی مادی میکرد ، بلکه پوشیدن آنرا نیز افتخار آمیز مینمود ، از اینروست که هرودوت می نویسد : « گرفتن جامه ی مادی از دست پادشاه افتخار و پادشاه بزرگی بود » .

اختصاص شاه دارد، برتن، ویک نیم شلواری (شلوار کوتاه) که رنگی تند داشت و ردایی ارغوانی پوشیده بود، تبار اورا افسری احاطه کرده بود، و خویشاوندان شاه هم این زیور را که امتیازی است دارا بودند.

از نوشته‌ی گرنفون پیداست که کورش در آنروز جامه‌ی پارسی دورنگ (که نمونه‌ی آنرا در روی کاشی‌هایی که در شوش بدست آمده میتوان دید) و از روی آن ردایی ارغوانی (که نمونه‌ی آن نیز در نقوش تخت‌جمشید دیده میشود) دربر کرده بوده است. آنچه این استنباط را استوارتر میدارد، یادی است که گرنفون از «شلوار کوتاه» او میکند، که ما شرح چگونگی آن را در بخش‌های آینده خواهیم آورد.

بدینسان استفاده از این جامه‌ها، تنها در دربار و خانه و مراسم و جشنهای مذهبی، باعث شده که در پایان‌های دوره‌ی شاهنشاهی هخامنشی، رفته‌رفته جامه‌ی پارسی جنبه‌ی تشریفاتی بخود گیرد و جز در مواقع رسمی از آن استفاده نشود.

کهن‌ترین نمونه‌ی جامه‌ی پارسی

گذشته از نقش برجسته‌ی بخشی از دامن کورش که در «پارسه کتد» بر روی سنگ در یک درگاهی کنده شده، و بدلالی بطور قطع و یقین نمیتوان پذیرفت که در زمان خود وی ساخته شده است، کهنترین نمونه‌ی که از جامه‌ی پارسی در دست هست، نقش برجسته‌ی مردی است در بالای دخمه‌ی سنگی در «ده نو» سکاوند در ناحیه‌ی نسای کرمانشاهان که بگمان پروفیسور هر تسفلد، استودان «گئوماته‌ی مغ» بوده و تصویر برجسته نیز خود اورا با جامه‌ی پارسی، در حال نیایش در برابر آتشدان نشان میدهد (۵۲۱ ق. م.). شاید علت اینکه در این نقش برجسته «گئوماته» که از مردم ماد بوده با جامه‌ی پارسی نشان داده شده، این باشد که او نخست، گمارده‌ی کنوجیه و سپس چند ماهی نیز جداسرانه پادشاه پارسیان بوده است، از اینرو به پیروی از آداب و رسوم و تشریفات دربار هخامنشی و برای بدست آوردن دل پارسیان ناچار بوده جامه‌ی پارسی پوشیده خود را بشکل آنان درآورد.

بهرسان، این نقش برجسته اگر پیکره‌ی «گئوماته» هم نباشد، (زیرا برخی از باستانشناسان آنرا از سده هشتم پیش از میلاد میدانند) چون از دیده‌ی سبک کنده‌گری و کهنی اسلوب کار، بی‌گمان پیش از سنگ‌نگاره‌های تخت‌جمشید ساخته شده است، خود بتنهایی میتواند کهنترین نمونه از جامه‌ی پارسی بشمار آید.

این جامه، با جامه‌ی که سپس در میان پارسیان بکار رفته، اندکی فرق دارد و چنین پیداست که در زمان پادشاهی داریوش بزرگ که تحولات و تغییرات و پیشرفتهای فراوانی در طرز زندگی مردم ایران پیش آمده بود، از جمله در کار جامه و پوشاک نیز تغییراتی رخ داده بوده است و سنجش شکل و دوخت

جامه‌ی داریوش بزرگ و چند تن دیگر از نقش برجسته‌ی بیستون، با نقوش تخت‌جمشید، چنانکه در پایین یاد خواهیم کرد، این نظرا استوارتر میسازد، زیرا میدانیم که سنگ نبشته‌ی بیستون در سالهای نخست پادشاهی داریوش (میان سالهای ۵۲۱ و ۵۱۵ ق. م.) کنده شده است در حالیکه ساختمان صفه‌ی تخت‌جمشید در سال ۵۲۰ ق. م. آغاز شده و سالها طول کشیده تا برخی کاخها و سنگ‌نگاره‌های دیواره‌های پله‌ها و درگاه‌های آن آماده گردیده است از اینرو از سنجش این سنگ‌نگاره‌ها، میتوانیم تغییرات و تحولات جامه‌های پارسی را در دوران پادشاهی داریوش بدست آوریم.

نمونه‌ی جامه پارسی در سنگ‌نگاره‌ی بیستون

در سنگ‌نگاره‌ی بیستون گذشته از داریوش، شش تن دیگر جامه‌ی چین‌دار و بلند پارسی برتن دارند. دوتن از آنان از شاهزادگان یا بزرگان هخامنشی هستند که نخستین آنان - که شاید خشیارشا ولیعهد داریوش یا چنانکه نوشته‌اند، پدرزن اوست^۱ - دهبیمی زرین بر سر و کمان و تیردان و حمایلی گوهر نشان با خود دارد و دومین - که شاید یکی دیگر از فرزندان اوست - دهبیمی زرین بر سر و نیزه‌ی در دست دارد که هر دو در پشت سر داریوش بحالت احترام ایستاده‌اند.

سومین، گئوماته‌ی مغ است که به پشت بر روی زمین افتاده، دستهای خود را بحالت لایه و در خواست بخشایش بسوی داریوش بلند کرده و داریوش بک پای خود را بر روی سینه‌ی او نهاده است. در روبروی داریوش، در رده‌ی اسیران که دستشان از پشت بسته و گردنشان با رسی بهم پیوسته است، دوتن شورشی (یکمین و چهارمین) بنامهای «آترینه» و «مَرتیه» که خود را شاه خوزستان خوانده بودند و یک تن شورشی دیگر (ششمین) بنام «و هیز دانه» که او نیز خود را همچون گئوماته، «بردی» پسر کورش و شاه خوانده بود، جامه‌ی پارسی دربر کرده‌اند.

گرچه مطالعه‌ی ریزه کاریهای سنگ‌نگاره‌ی بیستون بعلت بلندی و دسترسی نداشتن بدان و نبودن پیکره‌های دقیق، تاکنون بخوبی میسر نگشته است، لیک از دقت در جامه‌ی داریوش

۱ - پروفیسور اشمیت می‌نویسد: «آن دوتن که در پشت سر داریوش ایستاده‌اند اسلحه‌داران شاهند»، لیک بنظر نویسنده‌ی این گفتار نظر او درست نیست، زیرا شاه خود کمانی در دست دارد و این بی‌معنی است که کمان دیگری هم در دست اسلحه‌دارش باشد. گذشته از این از دهبیمی‌های نقش‌دار زرین و حمایل گوهر نشان و دست‌بندهای آندو پیداست که از شاهزادگان یا بزرگان هخامنشی‌اند.

۲ - علت جامه‌ی پارسی پوشیدن چند تن پیشین روشن است، لیک شورشی مروی بنام «فَراد» (هشتمین) که او نیز خود را شاه خوانده بود، جامه‌ی بلندی برتن دارد که بخش بالاته و دامن آن بجامه‌ی پارسی بسیار مانندی دارد. گرچه در دامن او چین دیده نمیشود ولی اگر با دیدن از نزدیک محقق شود که او نیز جامه‌ی پارسی پوشیده است مابقی شگفتی خواهد بود!

بخشی از سنگ‌نگاری درگاه کاخ اختصاصی
گورش در پارسه کد، که در آن يك پا
و گوشه‌ی از دامن جامه‌ی گورش پیداست.
در حاشیه‌ی جامه بخط میخی نوشته شده
« من هستم گورش شاه هخامنشی »



راست : سرباز جاویدان خوزی با جامه‌ی دو رنگ پارسی
چپ : سنگ‌نگاری بالای استودانی در « ده نو » سکاوند از ناحیه‌ی نسا که مهمترین نمونه‌ی جامه‌ی پارسی را نشان میدهد

نموده شده ، اندکی فرق دارد و رویهم‌رفته باید گفت : ظرافت
وزیبایی و موزونی جامه‌های پارسی در نقوش تخت‌جمشید ،
در سنگ‌نگاری بیستون دیده نمی‌شود . و این خود دلیلی است
براینکه در دوره‌ی پادشاهی داریوش بزرگ ، تحولاتی در
پوشاك و آرایش پارسیان - بی‌آنکه تغییری در اساس پوشاك

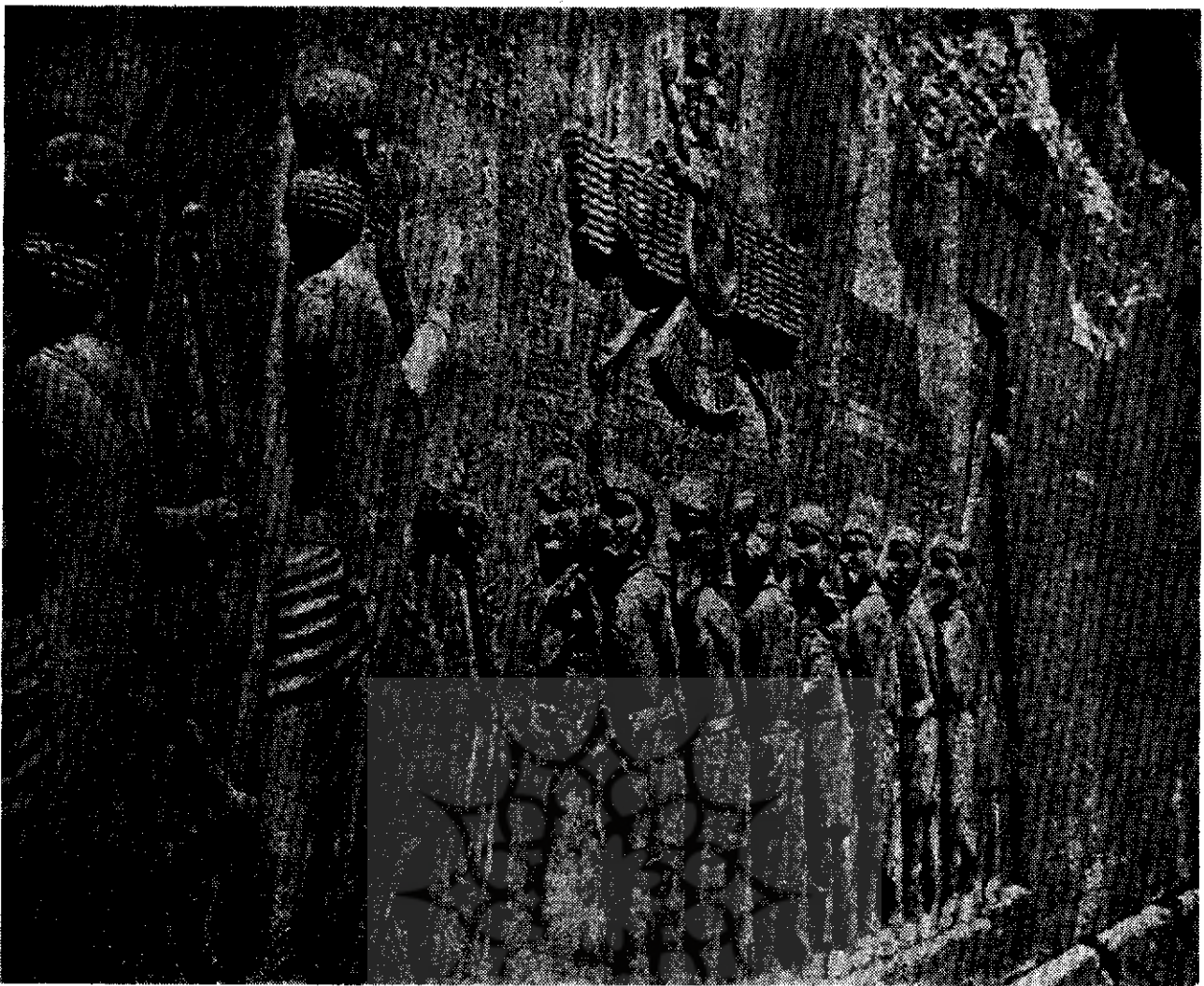
۳ - گذشته از کسانیکه بر شمرديم ، هيكل انسانی که در میان نقش
بالدار یا علامت اهورامزدا در بالای سر اسیران کنده شده ، نیز جامه‌ی
پارسی بر تن دارد و کلاه او نیز با کلاه نقش‌های بالدار تخت‌جمشید ،
متفاوت است و نیز در بالای کلاه او نقش خورشید یا ستاره‌ی برجسته‌ی
گردی یا هشت‌بره با شعاع درونی روی سنگ جداگانه کنده و کار
گذاشته‌اند که گویا در آغاز کار فراموش شده بوده سپس افزوده‌اند. با توجه
باین نشانه ، شاید بتوان گفت نقش بالدار بیستون « میترا » خدای جنگ
و پیروزی و پیمان یا ستاره‌ی مشتری خدای دانش و فضیلت را نشان
میدهد نه اهورامزدا خدای بزرگ را ؟!

و دیگران در این سنگ‌نگاره و سنجش آنها با جامه‌های پارسی
در نقوش تخت‌جمشید ، جداییهای زیر آشکار می‌گردد :
در نقش برجسته‌ی بیستون در زیر آستینهای قبا که بشکل
شئل میباشد ، چینهای تزیینی اضافی که سپس معمول گردیده
پیدا نیست .

دامن قبا در آغاز ، کوتاهتر بوده ، چینهای آن برخلاف
چین قباهای تخت‌جمشید ، طبیعی است و چین‌های اضافی
و ساخته در آن دیده نمی‌شود .

دیهیم زرین داریوش که دوران آن منقش و مشبك
است و در لبه بالایی دارای کنگره‌های هفت‌پله‌ی است ، تنها
در این نقش آمده و در هیچیک از آثار و نقوش هخامنشی مانند
آن دیده نشده است .

آرایش گیس و ریش داریوش نیز با آنچه که در تخت‌جمشید



پیکره‌ی داریوش و شورشیان در سنگ‌نگاره‌ی بیستون

یا همزمان با اوست .
روی این مهرهای استوانه‌یی، مجالس و نقوش گوناگونی
کنده شده که در برخی از آنها تا اندازه‌یی ریزه کاریهای قبا‌های
پارسی نموده شده است و درجاییکه از سنگ‌نگاره‌ها در شناسایی
چگونگی قبا‌ها، گرهی از کار نمی‌گشاید، نقوش این مهرها
بسیار سودمند می‌افتد، ولی از سوی دیگر چون تاریخ ساخت
آنها بطور دقیق دانسته نیست از اینرو جز در پاره‌یی موارد،
نمی‌توان بآنها استناد جست .

اما مفصل‌ترین و دقیق‌ترین آگاهیها درباره‌ی پوشاك
پارسیان دوره‌ی هخامنشی از سنگ‌نگاره‌های تخت‌جمشید
و کاشیهای لعابی شوش بدست می‌آید، زیرا شاهنشاهان بزرگ
هخامنشی، گذشته از این‌که کاخ‌های باشکوه خود را با کندن
نقوش و پیکره‌ها آرایش داده برزیبایشان افزوده‌اند، در ضمن
مقداری مدارك صحیح و مثبت نیز برای آیندگان بجای
گذاشته‌اند که با مطالعه‌ی آنها بسیاری از موضوع‌های نادانسته

خود بدهند - رخ داده و در برش و دوخت آن استادی بخرج
داده، برزیبایی و ظرافت و تزئینات قبا‌ها افزوده‌اند.
برخی مدارك دیگر

گذشته از سنگ‌نگاره‌ی استودان «گئوماته‌ی‌مخ» و سنگ
نگاره‌ی بیستون، پاره‌یی مهرهای لوله‌یی یا استوانه‌یی از زمان
هخامنشیان بجای مانده که اینك مقداری از آنها در موزه‌ی
بریتانیا و موزه‌ی ملی برلن و موزه‌ی هنرهای زیبای بوستن
و مجموعه‌ی خانم و . مور نگهداری میشود و تاریخ ساخت
برخی از آنها نیز گمان میرود پیش از زمان داریوش بزرگ

۴ - شاید کسانی این تفاوتها را از پیشرفت هنر سنگتراشی دانسته
بگویند در آغاز پادشاهی داریوش سنگتراشان از نمایش دقیق و درست
جامه‌ها ناتوان بوده‌اند و سپس که در هنر خود پیشرفت کرده‌اند، توانسته‌اند
آنها را بهتر نشان بدهند، پس در واقع میان جامه‌های آغاز و انجام
پادشاهی داریوش چندان تفاوتی نبوده است، ولی این نظر بدلایلی که
در اینجا برشمرده‌ش بیجاست پذیرفتنی نیست .



راست : نیم تنه‌ی داریوش بزرگ با دیهیم از نقش برجسته‌ی بیستون
 وسط : یکتن از بزرگان پارسی با قبای پارسی از روبرو . تخت جمشید
 چپ : یکتن از بزرگان پارسی با قبای پارسی از روبرو . تخت جمشید

از طرف راست بکمر بند بسته بودند» .

و درباره‌ی جامه‌ی مادها مینویسد :

«مادیه‌ها جنگ ابزارهایشان مانند پارسیها بود ، چه جامه‌یی که شکش را بیان کردیم در واقع جامه‌ی مادی است نه پارسی» .

کتیاس نیز در کتاب خود مینویسد : «طرز لباس را پارسی‌ها از مادها اقتباس کردند» .

گزنفون نیز چنانکه در پیش گفته شد ، بارها موضوع اقتباس جامه‌ی مادی را یادآوری کرده است .

توصیفی که از هرودوت درباره‌ی جامه‌ی پارسیان آوردیم یعنی : کلاه نم‌دین و قبای آستین‌دار و شلوار بلند ، همه مربوط به جامه‌های مادهاست زیرا پارسیها کلاه ترک‌دار بسر می‌گذاشتند و قبای آنها آستین نداشت و شلوار بلند نیز دریا نمی‌کردند و قمه یا قداری که بتوان آنرا از طرف راست بکمر بند بست قداری مادی است نه پارسی . پس بدینسان دانسته میشود که پارسیها

درباره‌ی جامه‌های آنروزگاران دانسته و روشن میگردد و چون در گفتگواز جزئیات پوشاک پارسیان و تشریح قسمتهای گوناگون آن از نقوش تخت‌جمشید بطور مفصل سخن خواهیم گفت از اینرو اکنون از آنها چشم‌پوشیده مطلب خود را دنبال می‌کنیم : از جمله‌ی مدارک تاریخی که نشان میدهد پارسیان عهد هخامنشی رفته‌رفته جامه‌ی قومی خود را بکناری نهاده ، جامه و جنگ ابزار مادها را پذیرفته‌اند نوشته‌های هرودوت و گزنفون و کتیاس است .

هرودوت در توصیفی که از چگونگی جامه‌ی پارسیان در جنگ بین ایران و یونان در زمان خشایارشا میکند می‌نویسد : «کلاهی نم‌دین که خوب مالیده بودند و آنرا تیار می‌گفتند بر سر ، قبای آستین‌دار رنگارنگ دربر ، زرهی که حلقه‌های آهنین آن بفلس‌های ماهی شابهت داشت بر تن ، شلواری که ساقها را می‌پوشاند دریا ، سپری از ترکیه‌ی بید بافته ، در زیر آن ترکی‌های آویخته ، زوبین‌های کوتاه و کمانی بلند و قمه‌یی کوتاه



بالا : بارگاه داریوش . نفر سوم پشت سر شاهشاه اسلحه دار مخصوص اوست
چپ : قداره مادی و طرز بستن آن

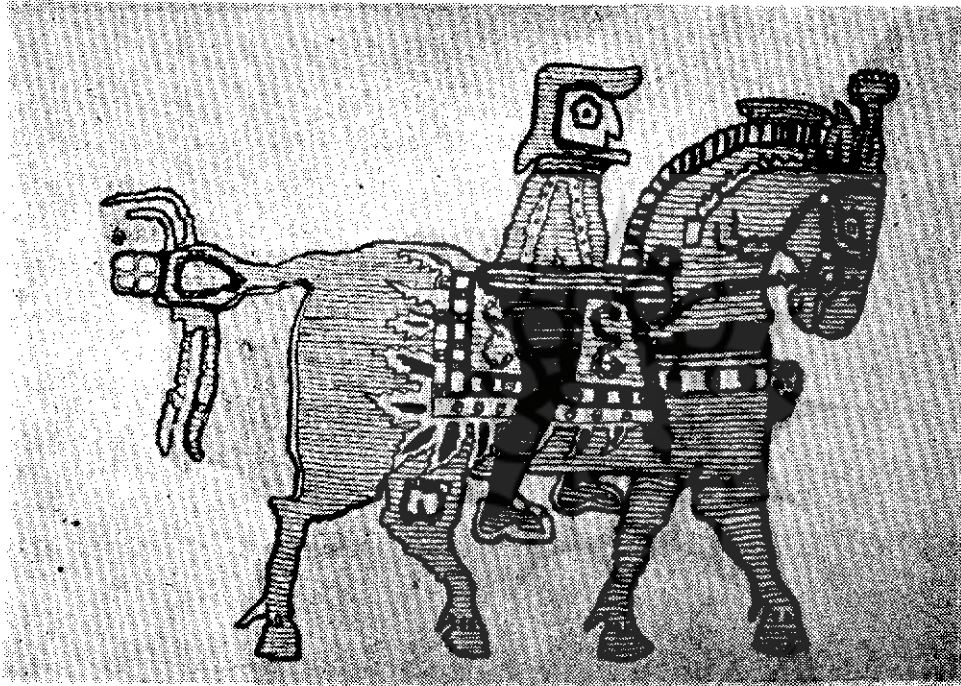
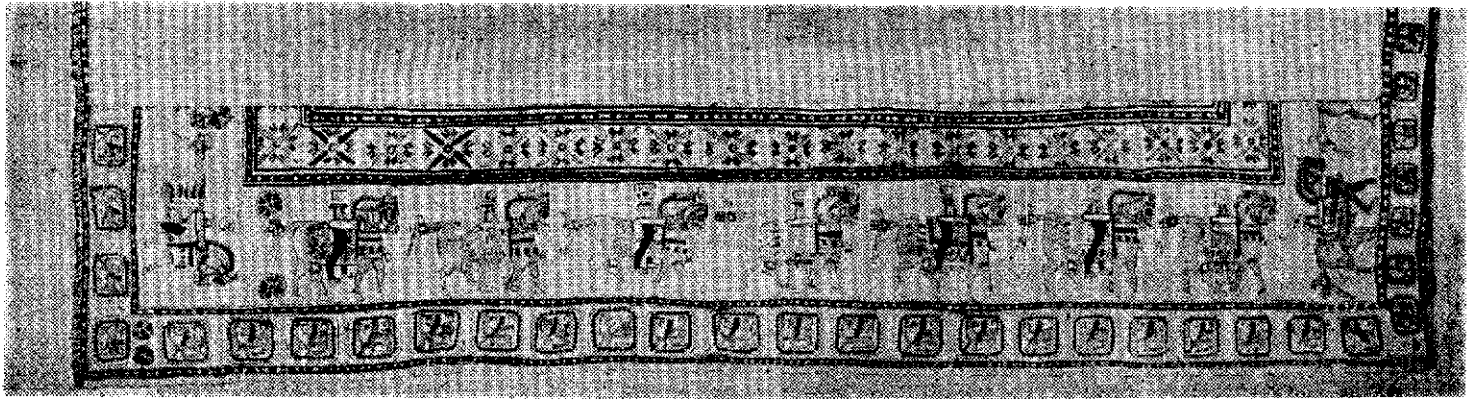


هنگام جنگ جامه‌ی مادی میپوشیده‌اند و هرودوت نیز آنچه را که در میدان جنگ برتن پارسیان بوده توصیف کرده است نه جامه‌ی قومی آنان را که هنگام صلح، در شهرها و خانه‌های خود می‌پوشیده‌اند.

اگر کسی از داستان و چگونگی تغییر جامه‌های پارسی آگاه نباشد و شکل و فرم جامه‌های مادی و پارسی را بدرستی از هم باز نشناسد و جداییهای جنگ ابراهای این دوتیره‌ی ایرانی را نداند، بیگمان از نوشته‌های این تاریخ‌نویسان در اشتباه افتاده، از عبارات آنان درباره‌ی شناختن جامه‌های پارسی مطلبی بدست نخواهد آورد و چه بسا همین نوشته‌ها، در مقایسه با نقش برجسته‌های تخت جمشید، باعث گمراهی گشته درباره‌ی شناسایی درست جامه‌ی مادی و پارسی در خواهد ماند. چنانکه بسیاری از محققان و باستان‌شناسان که درباره‌ی جامه‌های این زمان تحقیق کرده، کتابها و گفتارهایی نوشته‌اند و با در ضمن تاریخ این دوره‌ها اشاره‌ی بی‌جامه‌های مادی و پارسی کرده‌اند دچار همین گمراهی گشته جامه‌های پارسی را بجای مادی و مادی را بجای پارسی شناسانیده‌اند و ما شرح علل پدید آمدن این اشتباه‌ها و نادرسنیهارا در بخشهای آینده خواهیم آورد.

مدارک باستانی درباره‌ی اقتباس جامه‌ی مادی

گذشته از نوشته‌های تاریخ‌نویسان یونانی درباره‌ی اقتباس



سوار عهد هخامنشی با جامه‌ی مادی از حاشیه‌ی قالیچه‌یی که در بازرگ سبیری کشف شده است

در آن شاهنشاه هخامنشی یکی از بزرگان ماد (آزارپت) را بار داده، گرازش او را می‌شنود، دیده میشود که جاندار (اسلحه‌دار) شاهنشاه که جنگ‌آزار شاه را در دست و دوش خود گرفته و در پشت سر شاه ایستاده است، قداری بسیار زیبا و ظریف مادی که مخصوص شاهنشاه هخامنشی است در کمر دارد. پیداست که آویختن و بکار بردن قداری مادی جز با جامه‌ی مادی نشدنی است و جامه‌ی پارسی بادامن فراخ و بلندی که دارد با بستن چنین قداری‌یی که بایستی تسمه‌ی چرمی انتهای نیام آن بدور پا پیچیده و از حلقه‌یی بگذرد متناسب نمیباشد و از این موضوع میتوان چنین نتیجه گرفت که شاهنشاه هخامنشی که

جامه‌ی مادی از طرف پارسیها، مقداری مدارک مربوط به باستانشناسی نیز در آسیای صغیر و یونان از این دوره‌ها در دست است که در همه‌ی آنها پارسیان با جامه‌های مادی یعنی قبا و شلوار و باشلق و جنگ‌آزارهای مادی نمایش داده شده‌اند. گرچه این مدارک بیشتر مربوط با اواخر دوره‌ی هخامنشی است لیک در هر سان از نظر اثبات این موضوع جالب توجه است و نوشته‌های تاریخ‌نویسان را در این باره استوار میدارد.

از نقوش تخت جمشید و آثار دیگر دوره‌ی هخامنشی نیز درباره‌ی اقتباس جامه‌های مادی میتوان دلیلهای بسیاری بدست آورد: از جمله در نقش برجسته‌ی خزانه‌ی تخت جمشید که



جنگ ابزار مادی بکار میبرده است بناچار هنگام نیاز، یعنی شکار و سواری و جنگ جامه‌ی مادی میپوشیده است.

چنانکه پیش از این هم گفته شد، ازدوره‌ی هخامنشی، در تخت جمشید مطلقاً نقش سوار با جامه‌ی پارسی و یا اصلاً تصویر سواری نشان داده نشده است و اگر هم در برخی آثار دیگر این دوره نقش سواری نموده شده است، نمونه‌هایش بسیار کم و محدود است و دیگر آنکه در آنها همه‌ی سواران با جامه‌ی مادی نمایش داده شده‌اند نه پارسی.

برای مثال، در نقش حاشیه‌ی قالیچه‌ی که در پازیریک سیبری بدست آمده و ازدوره‌ی هخامنشی است، سوارانی که در حالات گوناگون (سوار خوبی) نشان داده شده‌اند همه جامه‌ی مادی در بردارند.

در روی پلاک سیمین گردی که شاید مربوط به تزئینات روی سپرهای دوره‌ی هخامنشی است چهار سوار بهنگام شکار بطور برجسته نمایش داده شده که هر چهار تن جامه‌ی مادی پوشیده‌اند.

بر روی چند مهر ازدوره‌ی هخامنشی نیز که نقش سوارانی کنده شده است همه با جامه‌ی مادی هستند و چنانکه گفتیم در هیچ اثری ازدوره‌ی هخامنشی سواری با جامه‌ی پارسی یعنی کلاه ترک‌دار و قبای شنلی با دامن بلند نمایانده نشده است.

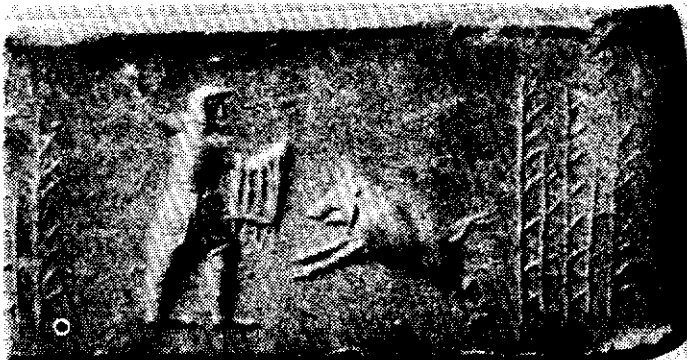
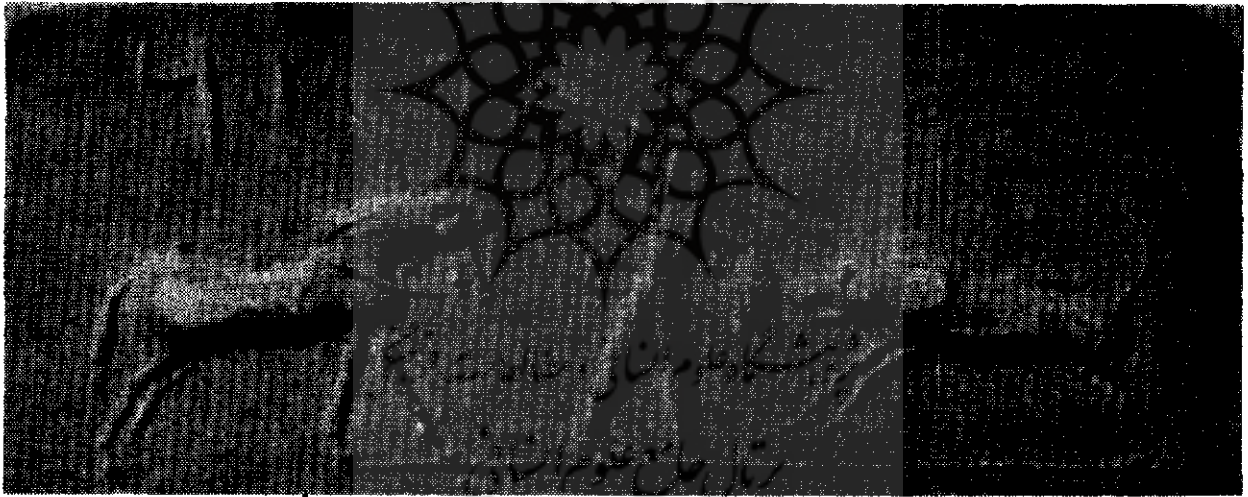
پلاک سیمین ازدوره‌ی هخامنشی که شاید جزو آرایش سپرهای پارسی بوده، با نقش برجسته‌ی چهار سوار در حال شکار که همگی جامه‌ی مادی بر تن دارند. قطر دایره ۶ سانتیمتر. موزه بریتانیا



نقش مهر دوره‌ی هخامنشی، سواری با جامه‌ی مادی در حال شکارگراز.

مجموعه‌ی خانم و . ه . مور

درباره‌ی اینکه چرا درهمه‌ی آثار دوران هخامنشی، سواران با جامه‌ی مادی نموده شده‌اند، دو گمان میتوان برد: یکی آنکه شاید این آثار اصولاً مربوط به مادهاست نه پارسیها، و بدان سبب است که همه جا اشخاص نقشها جامه‌ی مادی پوشیده‌اند، دیگر آنکه تصاویر و آثار مربوط به پارسیان است ولی پارسیانی که، بضرورت سواری و شکار، جامه‌ی مادی دربر کرده‌اند، و چون باید رفتن گمان نخست، دچار اشکالاتی میگردیم که با آگاهیهای تاریخی در مورد تعمیم سواری و سوارکاری در میان پارسیان - در دوره‌های پس از کورش - تطبیق نمینماید، پس بناچار با اتکاء بنوشته‌های تاریخ‌نویسان و دلیل‌های دیگر، باید بپذیریم که پارسیان در جنگ و شکار و سواری، جامه‌های قومی خود را پاك بیکسو نهاده، جامه‌ی مادی می‌پوشیده‌اند.



بالا: نقش مهر دوره‌ی هخامنشی، سواری با جامه‌ی مادی در حال شکار گراز. مجموعه‌ی ا. ت. نیول
 وسط: نقش مهر دوره‌ی هخامنشی. یکتن سوار با جامه‌ی مادی در حال شکار گراز. موزه بریتانیا
 پایین: مهر دوره‌ی هخامنشی. مردی با جامه‌ی مادی در حال شکار گراز در نستان. مجموعه‌ی كوك